



Transformation in governance, influenced by the development of cyberspace

Chamani.sasan¹

¹ PhD Student, Strategic Management of Cyberspace, Higher National Defense University, Tehran

Corresponding author: Sasan Chamani, chamani.sasan@ut.ac.ir

Copyright © 2019 The First National Congress of Governance. All rights reserved.

Abstract. Today, with the increasing development of cyberspace and related technologies, the nature of changes in terms of quantity (size and volume) and quality (type) is such that we can talk about entering a new era. An era that has affected all aspects of contemporary human life, including social, cultural, economic and political. The most prominent change in the age of cyberspace is the change in governance. The research findings indicate that change in governance is the most important area of change in the cyberspace era. Sovereignty and governance in its new form in cyber civilization, finds different laws, mechanisms and contexts and undergoes evolution and transformation. Rulers to maintain their sovereignty and authority, must understand the nature of this new type of governance and governance and based on equations and Take a different approach. Permanent participation of people in government affairs and acceptance of evidence-based governance and efforts to maintain the health of people and users in the national political and cyber geography are some of the key components of governance in the cyber age.

Keywords: Governance, cyber, evolution, cyber civilization.

تحول در حکمرانی، متأثر از توسعه فضای مجازی

ساسان چمنی^۱

1 - دانشجوی دکتری، مدیریت راهبردی فضای سایبر، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران

چکیده. امروزه با بسط و گسترش فزاینده فضای مجازی و فناوری‌های مرتبط با آن، ماهیت تحولات به لحاظ کمی (اندازه و حجم) و کیفی (نوع) به حدی است که می‌توان از ورود به عصری جدید سخن گفت. عصری که همه شئون زندگی انسان معاصر اعم از اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را تحت تأثیر خود قرار داده است. برجسته‌ترین تحول در عصر فضای مجازی، تحول در حکمرانی است. یافته‌های تحقیق بیانگر این مطلب است که تحول در حکمرانی مهمترین حوزه تحولی در عصر فضای مجازی است. حاکمیت و حکمرانی در شکل جدید آن در تمدن سایبری، قوانین، سازوکارها و بافت متفاوتی می‌یابد و دچار تطور و دگردیسی می‌شود. حاکمان برای حفظ حاکمیت و اقتدار خود، باید ماهیت این نوع جدید حاکمیت و حکمرانی را درک کرده و بر اساس معادلات و رویکرد متفاوت آن عمل کنند. مشارکت دادن دائمی مردم در امور حکومت و پذیرش حکمرانی مبتنی بر شواهد و تلاش برای حفظ سلامت مردم و کاربران در جغرافیای سیاسی و سایبری ملی، برخی از مولفه‌های اصلی حکمرانی در عصر سایبری است.

واژگان کلیدی. حکمرانی، سایبر، تحول

فضای مجازی با شتاب شگرف و رو به تزایدی در حال بسط و گسترش بوده و تمام ساحات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زندگی بشر را درنور دیده است. به طوری که هر روز بخش بزرگی از زیست انسانی را در خود فرو می برد و حیات متفاوت و جدیدی به آن می دهد، و چنین جلوه می کند که فضای کاملاً متفاوت با فضای واقعی است که از منطق یکسر متفاوتی تبعیت می کند، درحالی که این فضا در واقع همان فضای واقعی بسط یافته تحت پیشرفت های فناوریانه نوین است. با این حال، این تحول آنچنان تمامی ارکان جامعه کنونی را متحول و دگرگون کرده است، که می توان سخن از شکل گیری عصر و تمدنی نوین راند که برآمده از همگرایی فناوری های نوظهور (فناوری نانو^۱، زیستی^۲، اطلاعات^۳، شناختی^۴ و کوانتوم^۵) افق جدیدی را برای جوامع معاصر گشوده است. افقی که به طور مرتب و مستمر باید از طریق نهادهای علمی و سیاست گذار مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. برخی از نظریه پردازان معتقدند جهان در حال ورود به انقلاب چهارم صنعتی است. انقلابی که متفاوت از انقلاب های پیشین می باشد. انقلاب صنعتی چهارم، به واسطه ی فناوری هایی میسر شده که دنیای واقعی و دیجیتال را باهم ترکیب می کنند.

درواقع، فضای مجازی با ویژگی های خود نظیر شبکه ای شدن، هوشمند شدن، خدماتی شدن، زمان مندی و مکان مندی، فشردگی زمانی و مکانی، ۳۶۰ درجه ای شدن، مجازی شدن، اطلاعاتی و داده بنیاد شدن، سکویی شدن، کالایی شدن، زیست بوم انسان و اشیاء، همگرایی ابزارها، برخطی دائم (اتصال به جای ارتباط) و ... موجب ظهور شکل جدیدی از نهادهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و سیاسی شده است. به طوری که هر کدام از این نهادها امروزه با پدیده ها و مسائلی روبرو هستند که تا پیش از این، نظریه پردازان و سیاست گذاران نسبت به آنها درک و فهمی نداشتند. همین امر باعث غافلگیری بسیاری از کشورها در مواجهه با فضای مجازی شده است. این غافلگیری اگرچه برای کشورهای پیشرو در زمینه فضای مجازی نیز وجود دارد، اما برای کشورهای عقب مانده و دنباله رو بسیار عمیق تر و خطرناک تر است. به نظر می رسد مهم ترین و برجسته ترین مسئله ای را که این غافلگیری برای کشورهای پیشرو و دنباله رو در زمینه فضای مجازی به ارمغان آورده، مسئله «حکمرانی» است. امروزه با بسط و گسترش فزاینده فضای مجازی نه تنها حکمرانی بر فضای مجازی بسیار دشوار و پیچیده شده، بلکه حکمرانی کشورها نیز به طور عام با موضوعات و مسائل جدیدی روبرو شده است. یکی از پدیده های مهمی که گسترش فناوری تاثیرات زیادی بر روی آن داشته است، نظام حکمرانی در کشورها است. فضای مجازی موجب شده که بسیاری از ویژگیها، مسئولیتها و حتی مرزهای اداری و شیوه های حکمرانی دولتها تغییر یابد و نوع کنشگری و قاعده گذاری متفاوتی را از سوی دولت طلب کند.

فضای مجازی و دولت متناسب با آن (دولت مجازی)، یک گام فراتر از الکترونیکی شدن و دولت الکترونیک است. در دولت الکترونیک، اگرچه شفافیت و سرعت فرایندها و عملکردها بالاتر می رود و با سامانه سپاری، از حجم دولت کاسته می شود، اما مناسبات میان دولت و مردم و کسب و کار، مانند فضای واقعی کماکان طولی و هرم قدرت عمودیست. لذا در دولت الکترونیک

¹ Nanotechnology

² Biotechnology

³ Information technology

⁴ Cognitive science

⁵ Quantum

معنای قدرت، حکمرانی و اداره امور تفاوت چشمگیری با دوران پیشین ندارد و همان تعاملات عرصه واقعی و همان سلسله مراتب سنتی، با کمترین تغییرات در دولت الکترونیک منعکس می‌شود. اما با توسعه فضای مجازی، تحولات شگرفی رخ می‌دهد که تمامی این موضوعات و مفاهیم دستخوش تغییر می‌شود.

ابزارهای فضای مجازی مانند شبکه‌های اجتماعی، گروه‌بندی‌های اجتماعی-اقتصادی و سلسله مراتب سنتی موجود در جوامع را دگرگون می‌کنند و جامعه شبکه‌ای را شکل می‌دهند. در جامعه شبکه‌ای، روابط اجتماعی بصورت قابل توجهی میل به تقارن و برابری دارد. هویتها نیز که در تعاملات و ارتباطات اجتماعی شکل می‌گیرند، شبکه‌ای و بسیار سیال می‌شوند. نظام آموزش، نظام بهداشت، نظام اقتصادی (به ویژه نظام پولی و بانکی) و ... شبکه‌ای می‌شوند و بجای آنکه مبتنی بر سلسله مراتب قانونگذاری سنتی اعتبارسنجی و اعمال حاکمیت شوند، بصورت شبکه‌ای ادامه حیات می‌دهند و در تقابل با رویکردهای متمرکز پیشین سامان می‌یابند و مقررات‌گذاری و اعمال حاکمیت بر آنها در خارج از مرزهای جغرافیایی صورت می‌گیرد.

مشارکت نیز برخلاف جوامع پیشین، تنها از خلال فرایندهای سیاسی کلاسیک و احزاب سامان نمی‌یابد، بلکه خود را در کنشهای خرد و هرروزه کاربران در فضای مجازی نمودار می‌سازد. لذا مشارکت بسیار ساده، عادی، و همه‌جایی می‌شود. اساسا مشارکت تبدیل به اصلی بدیهی در همه عرصه‌های فضای مجازی می‌شود؛ مشارکت در تولید، مصرف، فرهنگ، سیاست و حتی فرایندها، تعاملات، قاعده‌گزاریه‌ها و در واقع، در فضای مجازی، مردم توانمند می‌شوند و فراتر از استفاده ابزاری از فناوریهای عصر الکترونیک، امکان مشارکت می‌یابند که این امر نیز مناسبات میان دولت با مردم و کسب و کارها را دگرگون خواهد نمود. قدرت نیز در چنین شرایطی خود را بصورتی نرم، پنهان و شبکه‌ای در مویرگهای جامعه می‌پراکند و دولت که تنها منبع مشروع قدرت در جامعه است، با رقبای متکثر و متنوعی مواجه می‌شود که در قدرت، منابع و مدیریت آن، سهم خواه هستند. لذا ساخت قدرت شبکه‌ای و به یک معنا افقی می‌شود.

با توجه به تغییرات ذکرشده، قاعده‌گذاری مناسب این امکان را برای دولتها فراهم می‌سازد که هوشمندتر و دقیقتر و کاراتر و حتی قدرتمندتر از قبل در فضای واقعی بسط یافته، اعمال حاکمیت کنند. اساسا در دولت مجازی دولت بسیار هوشمندتر از دولت الکترونیک است و ارائه خدمات در یک فرایند مشارکتی و دوطرفه و سنجش و پایش لحظه‌ای محیط صورت می‌گیرد. این هوشمندی، علاوه بر ایجاد زیرساخت‌های مناسب، مستلزم شکل‌گیری شبکه اطلاعاتی و تسهیم اطلاعاتی است که موجب می‌شود داده‌ها و اطلاعات بنحو دقیق و بر مبنای قاعده‌گزاریه‌های روشن و مسئولیتهای متعاقب آن به اشتراک گذاشته شود. در نتیجه چنین هوشمندی‌ای، نظام اداری دولت کاملا تغییر ماهیت داده و service oriented (هدایت شده توسط خدماتی که ارائه می‌دهد) می‌شود.

بر این اساس و با توجه به توضیحاتی که در خصوص خطوط اصلی تحولات از جهان الکترونیکی به جهان مجازی ارائه شد، در جهت اعمال حاکمیت بر این فضای نوظهور و شکل‌گیری دولت مجازی، معماری سازمانی، ساختارها و فرایندهای اداری و خدماتی و تعاملاتی میان دولت و شهروندان و کسب و کارها باید بر اساس تحولات مذکور مورد بازنگری قرار گیرد و تمامی این موارد را بر اساس مشارکت نظام مند مردم انجام داد و زمینه‌ها و روالهای مناسب برای مشارکت مردم در تدوین فرایندها، تعاملات و قاعده‌گزاریه‌ها تدارک دیده شود.

اما نکته مهمی که باید در این مسیر بدان توجه داشت آن است که این تحولات که کاهش تصدی‌گری دولت را به همراه دارد، به معنای رهاسازی نیست و چنین تصویری، خسارات زیاد و جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت و فضا را برای کنشگری رقبا و دشمنان آماده خواهد ساخت. بالعکس، چنین تحولاتی مسئولیت دولت را در مقررات‌گذاری و تعریف قواعد عمل کنشگران برجسته می‌نماید. بواسطه انجام چنین مسئولیتی، دولت اگرچه بخشی از قدرت خود را در فضای مجازی از دست می‌دهد و هرم

قدرت در نتیجه شبکه‌ای شدن و افزایش نمایی مشارکت افقی می‌شود، اما با این قاعده‌گذاری و معماری سازمانی قدرتش چندبرابر شده و در عین حال نامرئی و نرم می‌شود.

۲ بنیان‌های تحول در عصر فضای مجازی

فضای مجازی دارای ویژگی‌هایی است که تحولات عمیق و شگرفی را بنیان گذاشته است. برخی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آن‌ها عبارتند از:

۲/۱ شبکه‌ای شدن^۱

در طول تاریخ، از آنجا که حیات اجتماعی مملو از ارتباطات انسانی بوده، همواره شبکه‌ای بوده است. اما ابزارهای ارتباطاتی کثیر، متنوع و دردسترس که فضای مجازی در اختیار انسان‌ها در این دوران قرار داده موجب شده شبکه‌ای‌بودن به‌نحوی نمایی رشد نماید. به‌علاوه، درحالی‌که نظام روابط در گذشته سلسله‌مراتبی و عمودی بوده است، اما در نتیجه گسترش فضای مجازی، این نظام روابط افقی‌تر و شبکه‌ای‌تر شده است. مهم‌تر اینکه، درحالی‌که در گذشته تنها روابط میان انسان‌ها و شبکه‌های انسانی معنادار بوده است، امروزه شاهد شبکه روابطی هستیم که می‌تواند بین انسان‌ها، اشیاء و فرایندها ارتباط برقرار کند.

۲/۲ هوشمند شدن

تعاریف هوشمندی در میان متخصصان حوزه‌های گوناگون متفاوت است. اما به‌طور کلی در زمینه‌های مربوط به فضای مجازی می‌توان چنین گفت:

- ابزاری هوشمند است که بهینه فکر کند.
- ابزاری هوشمند است که بهینه عمل کند.
- ابزاری هوشمند است که مانند انسان فکر کند.
- ابزاری هوشمند است که مانند انسان عمل کند.

هوشمندی در فضای مجازی به منظور بالابردن کیفیت ارتباطات انسان و اشیاء و مدیریت تصمیم‌گیری‌های فراوان در موقعیت‌های پیش‌بینی‌نشده بکارگیری می‌شود. بدین ترتیب ایجاد سامانه‌های هوشمند برای مدیریت کلانشهرها، تجزیه و تحلیل داده‌های انبوه هواشناسی، حمل و نقل بدون راننده و ... امکان‌پذیر می‌شود.

۲/۳ تعاملی شدن

تعاملی شدن کنشی است که به‌واسطه آن یک فناوری ارتباطی می‌تواند محیط با واسطه‌ای خلق کند که در آن شرکت‌کنندگان (کاربران) قادر خواهند بود به‌طور هم‌زمان و غیرهم‌زمان ارتباط (یک به یک، یک به چند و چند به چند) برقرار کنند و در تبادل دوسویه پیام شرکت نمایند.

۲/۴ خدماتی شدن

بخش خدمات را که از آن به عنوان بخش سوم اقتصاد نیز تعبیر می‌شود، به مجموعه فعالیت‌هایی می‌گویند که به تولید ارزش از طریق محصولات غیرقابل مشاهده یا ناملموس منجر می‌شود. پیش‌بینی می‌شود با گسترش فضای مجازی و پیر شدن جوامع انسانی، آن‌ها به سمت خدماتی شدن تمایل بیشتری پیدا کنند.

¹ Networking

۲/۵ زمان‌مندی^۱ و مکان‌مندی^۲

به تمام اشیا و فرایندهایی که در فضای مجازی در حال رخ دادن است می‌توان زمانی را الصاق نمود و اصطلاحاً آن‌را زمان‌مند نمود و به همین ترتیب در مورد تمام اشیا و فرایندهای فضای مجازی می‌توان مکانی را الصاق کرده و آن‌ها را مکان‌مند نمود. بدین ترتیب بانک‌های اطلاعاتی مربوط به تراکنش‌ها و ثبت حوادث و وقایع ارزش بیشتری می‌یابند.

۲/۶ فشردگی زمانی و مکانی

آنچه در فضای مجازی رخ می‌دهد دارای زمان و مکان نیست (هر چند گفتیم که می‌توان برچسب زمانی و مکانی برای اشیا و فرایندها در این فضا تعریف کرد). از این رو در این فضا با همه‌زمانی‌شدن پدیده‌ها (فشردگی زمانی) و همه‌مکانی‌شدن (فشردگی مکانی) یا «ازجاکنندگی» پدیده‌ها مواجه هستیم. یکی از مظاهر فشردگی‌های مذکور تحقق شعار «هر فرد، هر زمان، همه جا»^۳ یا «اشتغال ۲۴*۷» با پوشش جهانی برای فضای مجازی است.

۲/۷ ۳۶۰ درجه‌ای شدن

انسان به دلیل ضعف دانش درباره محیط پیرامون خود، همواره دیدگاه یک‌سویه و ناقصی از پدیده‌های اطراف خود دارد. اما فضای مجازی با ارائه اطلاعات و داده‌های مربوط به پدیده‌ها از منظرهای گوناگون، می‌تواند دیدگاه کاملی درباره رویدادها به انسان بدهد.

۲/۸ مجازی شدن^۴

ایجاد معادل مجازی برای بسیاری از فرایندها، خدمات و سرویس‌های موجود در فضای غیرمجازی از مهم‌ترین تحولاتی است که ظهور فضای مجازی امکان آن‌را برای ما فراهم آورده است. فضای مجازی فضایی بسط‌یافته از فضای حقیقی است که به دلایلی همچون سهولت در دسترسی و مانند آن‌ها، انسان‌ها را به سمت مجازی‌سازی سوق داده است. پدیده‌هایی همچون بانک مجازی، گردشگری مجازی، پول مجازی و ... با استفاده از این ویژگی شکل گرفته‌اند.

۲/۹ سکویی شدن

سکو یا پلتفرم^۵ در رایانه‌ها و وسایل الکترونیکی به سخت‌افزار و نرم‌افزاری گفته می‌شود که به‌عنوان زیرساخت در یک سیستم وجود دارد. در واقع سکو بستری است که نرم‌افزارهای دیگر می‌توانند بر روی آن اجرا شوند یا به‌طور کلی تر چارچوبی از فناوری است که به فناوری‌های دیگر اجازه اجرا می‌دهد. به‌طور مثال پیام‌رسان تلگرام سکویی است که به بسیاری از ابزارهای دیگر مثل ربات‌ها امکان فعالیت بر بستر خود را می‌دهد و مأموریت‌های متعدد رسانه‌ای، ارتباطی، بانکی و ... را شکل می‌دهد. بصورت مشخص در حوزه اقتصادی، سکوها مشابهت زیادی با بازارهای مجازی دارند؛ در سکوهایی مزبور محیطی مجازی آماده شده است که ارائه دهندگان خدمات (عمدتاً نوآور) به سوداگری جذب کاربران مشغول و مدلی ویژه از کسب و کار را برپا می‌نمایند. مدیریت کلان بازار مجازی مزبور (سکو) به عهده صاحبان سکو است ولی شکل ارائه خدمت و مدل کسب و کار به عهده فعالان (اعم از ارائه‌دهندگان خدمت و کاربران) در سکو می‌باشد.

۲/۱۰ اطلاعاتی و داده‌بنیاد شدن

¹ Timestamp

² Location tag

³ Any one, any time, any where

⁴ Virtualization

⁵ Platform

فضای مجازی فضایی مبتنی بر داده است و این امر اثرات قابل توجهی در نحوه استفاده از این فضا دارد. نمونه‌ای از این اثرات، ظهور پدیده‌ای به نام «کلان داده»^۱ است. به مجموعه‌ای از داده‌های بسیار عظیم که نرخ تولید و تنوع (عدد، متن، تصویر، صدا، ویدئو، تراکنش مالی و ...) بالایی دارند بیگ‌دیتا یا کلان داده گفته می‌شود. کلان داده‌ها کاربردهای زیادی دارند. یکی از رایج‌ترین آن‌ها، شناخت عادت‌های خرید، الگوی مصرف و علاقه‌مندی‌ها و همچنین پیش‌بینی زمان خرید و پیشنهاد محصول مورد نظر مخاطب در فرآیند جستجوی محصولات است. می‌توان گفت که ۹۰٪ تمام داده‌های بشری در دو سال گذشته تولید شده است.

۲/۱۱ برخطی دائم (اتصال به جای ارتباط)

اتصال دائم افراد به شبکه‌های فضای مجازی نوع ویژه‌ای از تعامل را ایجاد کرده است. به نحوی که «حضور»، «اتصال»^۲ و «ارتباط»^۳ سه مقوله متمایز محسوب می‌شوند. ارتباط، اتصال با اختیار و مخاطب‌گزین است، اتصال شبکه اجتماعی‌گزین و حضور آمادگی برای اتصال و مورد ارتباط واقع شدن است.

^۱ Big Data

^۲ Connection

^۳ Relation

۳ حکمرانی در عصر فضای مجازی

تا به اینجا برخی از حوزه‌های بنیادین تحولی در عصر فضای مجازی را مورد بررسی قرار دادیم و گفتیم که یکی از مهم‌ترین آن‌ها حوزه سیاست و بین‌الملل است. اما باید به این مهم نیز متذکر شد که در این حوزه نیز برجسته‌ترین تحول در عصر فضای مجازی، تحول در حکمرانی است. از این فراتر، بنظر می‌رسد از یک منظر تحول در حکمرانی مهمترین حوزه تحولی در عصر فضای مجازی است و در زمانی که این گزارش نگاشته می‌شود، ذهن کثیری از اندیشمندان و حاکمان را به خود مشغول داشته است. (Jackson Adams, ۲۰۱۸)

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان نسبت حاکمیت و فضای مجازی را سه صورت دانست. این سه صورت اگرچه به شدت در هم تنیده شده‌اند و تفکیک عینی آن‌ها برخی مواقع با مشکل مواجه می‌شود، اما امکان تحلیلی خوبی را پیش رو می‌گذارد تا بتوان تصویر دقیق‌تری از موضوع حکمرانی در عصر فضای مجازی داشت:

الف- حاکمیت «با» فضای مجازی: در این رویکرد، از فضای مجازی به عنوان «ابزار خدمت‌رسانی» و اعمال حاکمیت در فضای حقیقی استفاده می‌کنند. آنچه به عنوان دولت الکترونیک طرح می‌شود در این سطح است. تلاش دولت‌ها در استفاده از این فضا برای اعمال حاکمیت کلاسیک و سنتی نیز در همین صورت خلاصه می‌شود. در این صورت، اصول حاکمیت تغییر نکرده و فقط از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی با نگاه ابزاری خدمات اتوماسیون ارائه می‌گردد. این نگاه بسیار مورد پسند تکنوکرات‌هاست و در کشورهای در حال توسعه سیاست‌های دنباله‌روی و نوعی غربی‌سازی را تقویت می‌کند.

ب- حاکمیت «بر» فضای مجازی: فارغ از استفاده‌ای که دولت‌ها از فضای مجازی برای تقویت حاکمیت خود دارند، یکی از دغدغه‌های مهم آن‌ها ساماندهی و مدیریت فضای مجازی است. بر این اساس، دولت‌ها فضای مجازی را به عنوان یکی از اجزاء زندگی مردم تحت حاکمیت درمی‌آورند و آن‌را متناسب با قوانین موجود در کنار سایر اجزاء، مدیریت می‌نمایند. به عبارت دیگر، حکمرانی بر فضای مجازی، وضعیتی است که حاکمیت ملی بتواند فضای مجازی را به منزله بخشی از قلمرو خود، تحت قوه آمرانه خود قرار دهد.

ج- حاکمیت «در» عصر فضای مجازی: در این رویکرد، دولت‌ها تحول زندگی بشر در عصر فضای مجازی را به خوبی درک کرده و می‌پذیرند که فضای مجازی «فقط» مولد پاره‌ای از مسائل نیست بلکه کلیت فضای زندگی مردم و افق تمدنی جدیدی را می‌سازد. به همین دلیل دولت‌ها، فراتر از دو حالت قبلی سعی می‌کنند ساختار خود را در راستای اعمال حاکمیت «در» آن عصر متحول کنند.

بنابراین، چنانکه مشخص است، به موازات حرکت از رویکرد اول به رویکرد سوم، نسبت حکمرانی و فضای مجازی پیچیده تر و تنگاتنگ‌تر می‌شود و بالتبع حکمرانی نیز پیچیدگی بیشتری می‌یابد. به بیان دیگر، در اولین مراحل بسط و تکوین فضای مجازی، با سلطه نگاه فنی، ابزاری و دوفضایی به فضای مجازی، «حکمرانی با فضای مجازی» و «حکمرانی بر فضای مجازی» مسلط است. اما به موازات گسترش فضای مجازی و آشکارشدن وجوه تمدنی این فضا، باید روشن نمود که «حکمرانی در عصر فضای مجازی» چیست؟ در واقع درحالی‌که در صورت اول و دوم، اصل حکمرانی شفاف و بدیهی انگاشته می‌شود و بر آن اساس سعی می‌شود که از ظرفیت‌های فضای مجازی استفاده شود، در صورت سوم، اصل حکمرانی نیز با توجه به اقتضائات فضای مجازی به چالش کشیده می‌شود و لذا پرسش از چیستی و چگونگی حکمرانی «در» عصر فضای مجازی است. آیا فضای مجازی نیز تابع همان قواعد حاکمیتی متعارف در عرصه سرزمینی یک دولت ملی است یا شرایط متفاوتی دارد؟ حکمرانی فضای مجازی به چه معناست و چه ابعادی دارد؟ تفکیک حوزه‌های ملی و بین‌المللی در این محیط آیا میسر است؟ حاکمیت تا چه حد امکان اعمال احکام خود بر این عرصه جدید را داراست؟ آیا حکمرانی بر فضای مجازی از خارج از آن میسر است یا باید از داخل صورت پذیرد؟

بدیهی است که این سؤالات کاملاً بین رشته‌ای است و پاسخ به آن‌ها نیز مستلزم جهد و تتبعی چندرشته‌ای و بین رشته‌ای است که ما در ابتدای مسیر پاسخ‌گویی هستیم.

۳/۱ تعریف حکمرانی و تحولات آن

درباره حکمرانی تعاریف متعدد و مختلفی ارائه شده است که فصل مشترک تمامی آن‌ها توجه به لایه‌ها و نهادهای غیرحکومتی در اعمال حاکمیت است. بر این اساس، حکمرانی را ظرفیت انجام کارها و تنظیم امور با اتکا به گفت‌وگو، سازش، تنظیم قواعد، هنجارسازی، استانداردسازی، تنظیم توصیه‌ها و ... در کنار استفاده از ظرفیت‌های رسمی و قانونی اعمال قدرت دانسته‌اند. به عبارت دیگر، حکمرانی یعنی توجه به خواست‌ها و استفاده از ظرفیت‌های نهادها و گروه‌های غیرحکومتی در کنار نهادهای حکومتی به منظور تسهیل دسترسی به اهداف حاکمیتی است. لذا حکمرانی، حکومت اجتماعی شده است و از سویی مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های جامعه است و از دگرسوی ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را شکل می‌دهد. به بیانی متأخرتر، حکمرانی شیوه نرم، هوشمندانه و کم تنش اعمال حاکمیت است.

حکمرانی تحولات زیادی را به خود دیده و تحول در حکمرانی، بالاخص «حکومت^۱» و «حکومت‌مندی^۲» امر بدیهی نیست و سابقه‌ای به قدمت شکل‌گیری اولین اجتماعات انسانی دارد، و به صورت خاص، از بعد از جنگ جهانی دوم رویکردهای مختلفی از آن پیشنهاد و تجربه شده است. «رویکرد دولت بزرگ» (از بعد از جنگ جهانی دوم تا اواخر دهه ۷۰)، «رویکرد دولت کوچک» (از بعد از اواسط دهه ۷۰ آغاز شد و با «اجماع واشنگتنی» و فروپاشی شوروی قوت گرفت)، «رویکرد حکمرانی خوب» (از بعد از حوادث پایانی دهه ۱۹۹۰، بالاخص بحران‌های شرق آسیا با شعار «دولت کوچک» قوت گرفت) و «حکمرانی پایدار» نمونه‌های مهمی از این رویکردها می‌باشند که هریک مزایا و معایبی داشته و در مقاطعی از تاریخ تحولات حکمرانی نقش ایفا کرده و می‌کنند. (فیروزآبادی، ۱۳۹۹)

اما نوع، کیفیت و مقیاس تحول حکمرانی در نتیجه بسط و گسترش فناوری‌های نوین، بالاخص فضای مجازی موجب شده است که این تحول، پیچیدگی و تنوع بی نظیری بیابد. تا آنجا که سخن از «تحول پارادایمی حکمرانی^۳» به میان آمد و هنوز، در مقیاس ملی و بین‌المللی اجماعی بر سر مدل حکمرانی مقتضی این عصر وجود ندارد.

نمونه‌های مهمی از مدل‌های حکمرانی متأثر از فضای مجازی از این قرارند:

«حکمرانی شبکه‌ای^۴»: این حکمرانی بر ویژگی شبکه‌ای فضای مجازی تأکید داشته و بر اساس این خصیصه ذاتی فضای مجازی حکمرانی مقتضی این عصر را پیشنهاد می‌دهد.

«حکمرانی تعاملی^۵»: این نوع حکمرانی بر وجه اجتماعی و افقی بودن فضای مجازی تکیه داشته و بر آن اساس حکمرانی را تعاملی می‌داند.

«حکمرانی سیال^۶»: این حکمرانی بر وجه سیال پدیده‌ها که ویژگی عصر فضای مجازی و پسانوگرایی است تأکید کرده و بر همان اساس حکمرانی را سیال و کاملاً اقتضایی تصویر می‌کند.

¹ Government

² Governmentality

³ Paradigm evolution of governance

⁴ Network Governance

⁵ Interactive Governance

⁶ Liquide Governance

«حکمرانی مشارکتی»^۱: در این حکمرانی مشارکت شهروندان بسیار پررنگ می‌شود و فضای مجازی با خصیصه مشارکتی و افقی بودن به اشاعه و اعمال این نوع حکمرانی دامن می‌زند.

«حکمرانی شرکتی»^۲: در این حکمرانی، با توجه به قدرت یافتن شرکت‌ها و کسب و کارهای خصوصی، خصوصاً با توجه به کارکرد جهانی فضای مجازی، حکمرانی به صورت مستقیم و غیرمستقیم متأثر از تصمیمات و عملکرد شرکت‌ها خواهد شد.

«حکمرانی سکویی»^۳: با سکویی شدن جامعه و اکثر ارکان آن و قدرت یافتن سکوهایی که به ارائه خدمات در حوزه‌های مختلف آموزش، سلامت، حمل و نقل و ... می‌پردازند و از خلال آن قواعد و هنجارها و رویه‌های خود را بر کابران و زندگی آن‌ها تحمیل می‌کنند، برخی بر این باورند که حکمرانی توسط سکوها اعمال می‌شود. بر این اساس، در این فضای سکویی شده پیشنهاد می‌شود که دولت نیز به مثابه یک سکو عمل کند تا بتواند اعمال حکمرانی را همچون گذشته در اختیار داشته باشد.

«حکمرانی آشوبناک»^۴: این حکمرانی به اثرات متقابل ناشی از آشفتگی محیط، آشفتگی سازمانی و آشفتگی مقیاس با تضاد، سرعت و پیچیدگی این فضا توجه می‌کند و در تفسیری رادیکال حکمرانی به معنای کلاسیک آن را یکسره ناممکن می‌شمارد.

در ادامه به جهت اهمیت و شیوعی که رویکرد چندذینفعی در ادبیات حکمرانی، بالخصوص ادبیات حکمرانی فضای مجازی دارد و به نوعی پشتوانه تمامی رویکردهای ذکر شده می‌باشد، به توضیح این رویکرد پرداخته و نقاط ضعف و قوت آن را بررسی می‌نماییم:

۳/۲ حکمرانی چندذینفعی^۵

حکمرانی چندذینفعی رویکردی نسبتاً جدید برای حکمرانی در حوزه عمومی است که طی دو دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته است. در سند نهایی اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی در سال ۲۰۰۵ در تونس که به «دستورکار تونس» شهرت یافت، پیشنهاد شده است که حکمرانی بین‌المللی اینترنت به شکلی چندذینفعی پی گرفته شود.

مدل حکمرانی چندذینفعی یک ساختار راهبری است که در صورت آرمانی هدفش کنار هم آوردن کلیه ذینفعان به منظور مشارکت در مباحثات، تصمیم‌گیری‌ها و پیاده‌سازی راهکارهایی برای مشکلات یا اهداف مشترک است. فرآیند اقدامات چندذینفعی، نیازمند مشارکت کلیه ذینفعان برای تصمیم‌گیری بر اساس تفاهم متقابل و فعالیت در محیطی باز، شفاف و مسئولانه می‌باشد. ذینفعان به افراد، گروه‌ها، یا سازمان‌هایی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، منافع در یک سازمان مشخص داشته باشند؛ گفته می‌شود. این سازمان می‌تواند یک کسب و کار، جامعه مدنی، دولت، مؤسسه تحقیقاتی یا سازمان غیردولتی باشد.

البته برخی معتقدند رویکرد چندذینفعی چارچوب و ابزار مشارکت است نه تأیید قانونی. تأیید قانونی از سوی مردم و در بین مردم صورت می‌گیرد. فرآیندهای چندذینفعی می‌توانند و باید با افزایش فرصت‌های مشارکت کسانی که مستقیماً از تصمیمات تأثیر می‌گیرند، مخصوصاً آنهایی که در سطوح پایین قرار دارند و صدایشان شنیده نمی‌شود، افزایش و ارتقای مردم‌سالاری را فراهم آورند. این فرایندها باید با اطمینان حاصل کردن از اینکه تصمیمات منعکس‌کننده و پاسخگوی نیازهای

¹ Participatory Governance

² Corporative Governance

³ Platform Governance

⁴ Turbulent Governance

⁵ Multi-stakeholder approach

ذینفعان بوده، سطح مردم‌سالاری را بالا ببرند. همچنین باید فرآیندهای مردم‌سالارانه را انعطاف‌پذیر و پاسخگو نمایند تا امکان تطبیق با شرایط زمینه فعالیت، فناوری‌ها و جامعه تأثیرگیرنده فراهم آید.

۳/۳ تحولات حکمرانی در عرصه ملی و بین‌الملل در عصر فضای مجازی

اگر بخواهیم به شیوه کلاسیک به بررسی و تحلیل حکمرانی در دو مقیاس ملی و بین‌المللی بپردازیم، باید خط‌کشی نسبتاً دقیقی میان این دو مقیاس برقرار کرده و بر آن اساس، به تحلیل هر یک از آن‌ها بپردازیم. اما دقیقاً تغییر مفهوم مرز در نتیجه گسترش فضای مجازی موجب شده است که نتوان مانند گذشته به تحلیل موضوعات ملی و بین‌المللی پرداخت؛ در عصر فضای مجازی، «هر موضوع ملی بین‌المللی است و هر موضوع بین‌المللی ملی است». چرا که اساساً معنای مرز تغییر یافته است و این اولین نکته‌ای است که باید در تحلیل حکمرانی در عصر فضای مجازی لحاظ نمود. در حالی که در دولت-ملت‌های مدرن، قلمرویی که اعمال حاکمیت توسط دولت صورت می‌پذیرفت با مرزهای اعمال حکمرانی مطابقت داشت، در دوره اخیر مرزهایی که اعمال حاکمیت صورت می‌پذیرد به شدت دگرگون و متفاوت از مرزهای اعمال حکمرانی شده است. به علاوه، رقبای کشورها نیز فقط دولت‌ها نیستند، بلکه شرکت‌ها، با استفاده از ظرفیت‌های سکویی که فضای مجازی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد در کشورها نفوذ کرده و به رقابت با دولت‌ها می‌پردازند. به طریق اولی، دولت‌ها نیز مانند گذشته تنها از اهرم‌های دولتی برای اعمال فشار بر کشورهای رقیب استفاده نمی‌کنند، بلکه می‌توانند از ظرفیت شرکت‌های خصوصی و فرامرزی و بین‌المللی خود بدین منظور استفاده نمایند. (Jackson Adams, ۲۰۱۸)

تمامی این موارد دلالت بر آن دارند که خط‌کشی مرسوم و کلاسیک میان ملی و بین‌المللی، مانند گذشته به سادگی صورت نمی‌پذیرد و باید بر مبنای این پیچیدگی تحلیل و پیشنهادات خود را ارائه نماییم.

در سه دهه اخیر فضای مجازی به صورت پدیده نوظهوری در جهان نمود پیدا کرده است و گویی سرزمین جدیدی شکل گرفته است که قواعد و مناسبات خاص خود را دارد. در بدو امر که فضای مجازی ظهور یافت، یک دیدگاه رایج این بود که فضای مجازی تابع پیشرفت فناوری است و یک محیط آزاد است که حکمرانی بر آن امکان ندارد. اما، توجه به خط مشی ایالات متحده از ابتدای دهه ۱۹۹۰ و بلکه پیش از آن نشان می‌دهد، که این حکومت از بدو امر به حکمرانی بر فضای مجازی توجه داشته است.

به جز ایالات متحده آمریکا و معدودی دیگر از کشورها، دیگر حکومت‌ها به ناگاه با این محیط جدید مواجه شدند و نه تنها نتوانستند قواعد متعارف خود را بر آن اعمال کنند، بلکه به جهت تأثیرات فزاینده این محیط نوین، به تدریج قابلیت حکمرانی بر بخش‌های دیگر تحت حاکمیت‌شان را نیز از دست داده‌اند. بدین ترتیب، حکمرانی بر فضای مجازی بدل به یک چالش جدی برای حاکمیت‌ها شد.

۴ جمهوری‌های جدید سایبری و مختصات آن

دنیا یک بار در قرن هفدهم شاهد فروپاشی نظام بازمانده از دوران امپراطوری‌های باستانی (چین، ایران، عثمانی و روم) و شکل‌گیری نظم نوین جهانی براساس پیمان تاریخی وستفالی و زایش دولت‌های فعلی جهان در قالب قلمروهای جغرافیایی با مرزها و منابع مشخص بوده است. پیمان وستفالی (۱۶۴۸) در واقع سنگ بنای شکل‌گیری دولت‌های ملی و مبنای شکل‌گیری جامعه (سازمان) ملل در شکل، قالب و الگوی فعلی آن است. (ایرنا، ۱۳۹۹)

در آستانه قرن بیستم با ظهور عرصه سایبری به عنوان عرصه پنجم، جهان یک بار دیگر شاهد شکل‌گیری نظم نوینی است که این بار از سوی پلتفرم‌ها در حال شکل‌گیری است. برخلاف نظم پسوستفالی که ساختار حکمرانی نظام‌های سیاسی به صورت سلسله مراتبی و براساس اصل تفکیک سه‌قوه (قانون‌گذار-دولت-قضایی) شکل گرفت؛ در نظم نوین سایبری، پلتفرم‌ها به صورت

افقی-شبکه‌ای و براساس اصل وابستگی متقابل چهار لایه زیرساخت، منطقی، اطلاعات و مردم شکل گرفته و در آن **استراتژیست‌های سایبری** جایگزین ژنرال‌های پنج ستاره و دیپلمات‌های دیوان‌سالار شده است.

در نظم پساوستفالی، دولت‌های ملی انحصار بازیگری داخلی و بین‌المللی را در زمین، دریا، هوا و فضا در دست داشتند؛ اما در نظم نوین سایبری پلتفرم‌ها نه تنها انحصار بازیگری در عرصه پنجم را از آن خود کرده‌اند بلکه دایره و میدان بازیگری دولت‌های ملی در عرصه‌های سابق (زمین، دریا، هوا و فضا) را نیز به شدت تنگ کرده‌اند. در نظم پساوستفالی، دولت‌های ملی از طریق پیمان‌های سیاسی، ائتلاف‌های قدرت تشکیل می‌دادند به نحوی که هیچ کشوری خارج از الزامات آن یارای ادامه حیات نداشت؛ اما در نظم نوین سایبری، پلتفرم‌ها از طریق ادغام و انحصار، ائتلاف‌های جدید سایبری تشکیل می‌دهند که حتی تنها (و شاید آخرین) ابرقدرت بازمانده از نظم پساوستفالی را در تنگنا قرار داده است.

برخلاف نظم پساوستفالی که متکی بر اقتصاد صنعتی، بازار و پول بود؛ نظم نوین پلتفرمی بر اقتصاد «داده» استوار است و در آن «ذخایر اطلاعاتی» جایگزین منابع زیرزمینی، نفت، گاز و صنعت و ... شده است. در نظم پساوستفالی، عمده تبادلات مالی اقتصادی از طریق مرزهای جغرافیایی و تحت کنترل مکانیسم‌های مرکزگرا (مانند گمرک و بانک) اتفاق می‌افتاد؛ اما در نظم نوین سایبری این مبادلات (رمزارز) عمدتاً در قلمروهای سایبری اتفاق می‌افتد که فاقد زمان‌مندی و مکانمندی است و کنترلی نیز بر آن وجود ندارد.

در نظم پساوستفالی، جنگ، حمله نظامی و اشغال نظامی سرزمینی مکانیسم‌های قهرآمیز و تحریم و محاصره اقتصادی ابزارهای غیرقهری برای مهار دشمنان بود؛ اما در نظم جدید سایبری، حملات سایبری به زیرساخت‌ها، جاسوسی سایبری و اشغال قلمروهای سایبری مکانیسم‌های قهری و حذف اپلیکیشن‌ها، بایکوت کسب‌وکارهای آنلاین، تولید محتوای خودکار و انحراف افکار عمومی مکانیسم‌های غیرقهری برای مهار دشمنان است.

پلتفرم‌ها به معنای واقعی کلمه معنا و مضمون «دنیای آینده» در بنیانه استقلال فضای سایبری (سال ۱۹۹۶) را ترسیم کرده و به آن عینیت داده‌اند؛ جایی که جان پری بارلو به هنگام قرائت آن اعلام کرد «ای دولت‌های جهان صنعت! ای غول‌های فرسوده گوشت آلود و فولادین، من از فضای سایبری می‌آیم، خانه جدید ذهن. ما، به نمایندگی از دنیای آینده، از شما استقبال نمی‌کنیم. شما در اینجا حاکمیتی ندارید».

در این «دنیای آینده» که پس از دو دهه شاهد ظهور آن هستیم، پلتفرم‌ها به آرامی از طریق توسعه قلمروهای انحصاری سایبری و اختصاص منابع آن به خود، در حال قدرت‌گیری و ایجاد ائتلاف‌ها و پیمان‌نامه‌های جدید ملی و بین‌المللی هستند. در عرصه داخلی، جمهوری‌های جدید سایبری (مانند گوگل، فیس‌بوک، اپل) ساختار سیاسی، نظام فکری و فرهنگ پلتون‌دی خاص خود را دارند.

پلتون‌دهای (شهروندان) این جمهوری‌ها در دورن هیچ مرزبندی کلاسیک، اعم از جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یا حتی قومی، نژادی و مذهبی، قرار نمی‌گیرند. رفتار، ذهنیت و الگوی شناختی پلتون‌دهای جمهوری فیس‌بوک از رفتار و ذهنیت و الگوی شناختی اتباع جمهوری توئیتر متفاوت است. در این جمهوری‌ها پلتون‌دها به شرط مصرف، بر تخت پادشاهی سکنی گزیده و از طریق مکانیسم‌های شخصی‌سازی‌شده، بهترین و موردعلاقه‌ترین محتواها در قالب منوهای رنگین در اختیار وی قرار می‌گیرد. (مجلس، ۱۳۹۸)

در عرصه بین‌المللی نیز آنها به صورت نامرئی خطوط نظم نوین جهانی و اصول حاکم بر روابط بین‌الملل در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی دهه‌های آتی را ترسیم می‌کنند. روسای جمهور این کشورهای جدید (جف بزوس، بیل گیتس، مارک زاکربرگ) مدت‌ها است نغمه شکل‌دهی از حکمرانی، حکمرانی پلتفرمی، سر داده‌اند که در آن مولفه‌های کلاسیک قدرت همچون

سازمان‌ها و نهادهای عریض و طویل، بروکراسی پیچیده، سازوکارهای نظامی و امنیتی و حتی دموکراسی رایج به طنز بیشتر شباهت دارد.

حاکمیت‌های سیاسی کلاسیک نیز به‌طور روزافزونی، استقلال این جمهوری‌های قدرتمند را به رسمیت شناخته است؛ رئیس‌جمهوری آمریکا بیش از هر مقام دیگری با روسای جمهوری فیس‌بوک، گوگل، مایکروسافت و اپل گلف بازی و با آنها قهوه سرو می‌کند، رئیس‌جمهوری چین بالاجبار در سفر به آمریکا، همزمان با حضور در کاخ سفید، در منزل رئیس‌جمهوری مایکروسافت نیز حضور می‌یابد و کشورهایی همچون دانمارک سفیر فوق‌العاده برای جمهوری گوگل تعیین می‌کند. لذا این واقعیتی است که درست همانند امپراطوری‌های کلاسیک در جهان واقعی، پلتفرم‌ها در عرصه سایبری، از طریق اکوسیستم‌های فناورانه ائتلاف‌های قدرتمندی تشکیل داده‌اند که هر نهیب آنها، لرزه بر اندام حاکمیت‌ها و ساختارهای سیاسی کلاسیک در جهان می‌اندازد. (Jackson Adams, ۲۰۱۸)

۵ حاکمیت و حکمرانی در تمدن سایبری

حاکمیت و حکمرانی در شکل جدید آن در تمدن سایبری، قوانین، سازوکارها و بافت متفاوتی می‌یابد و دچار تطور و دگرپرسی می‌شود. حاکمان برای حفظ حاکمیت و اقتدار خود، باید ماهیت این نوع جدید حاکمیت و حکمرانی را درک کرده و بر اساس معادلات و رویکرد متفاوت آن عمل کنند.

۵/۱ تمدن سایبری

همه ما کما بیش، تحولی را به صورت ملموس در بافت زندگی و محیط خود، بخصوص در سه دهه گذشته احساس می‌کنیم. تحولی که شاید از ۶۰ سال قبل آغاز شد، و در ۱۰ سال اخیر (در مقایسه از جایگاه وضعیت امروز) به اوج خود رسید. به نظر می‌رسد، ما در حال تجربه بروز تمدنی متفاوت هستیم. (آل یاسین، ۱۴۰۰) تمدنی که ابعاد متعددی دارد، و ما آن را تمدن سایبری می‌نامیم. تمدنی که در آن، تعامل ماشین (بخصوص ماشینهای مبتنی بر فناوری اطلاعات) و انسان، و خودکارسازی و هوشمند سازی فعالیتهای، تاثیرات گسترده‌ای را بر چگونگی زندگی انسان گذاشته است.

۵/۲ حاکمیت و حکمرانی سایبری

حاکمیت و حکمرانی هر چند که به نظر دور از دسترس تحول، و از نظر ماهیت پایدار به نظر می‌رسد، ولی یکی از راهبردی‌ترین و مهمترین عرصه‌های تحول و تطور یافته در تمدن سایبری است. قدرت فائقه حاکم در محدوده جغرافیای حاکمیت خود، دچار چالشهای متعددی شده است. اگر قبلاً حاکم، در این محدوده دارای اقتدار مطلق شناخته می‌شد، پس از جنگ جهانی اول و دوم، با تشکیل نهادهای بین‌المللی و حلقه‌های قدرت کشورهای مسلط شده بعد از جنگ، و مداخلات آن در عرصه حاکمیتی کشورها، دچار رخنه‌هایی در این اقتدار شد. اما در مرحله بعد و در پهنه فضای سایبر، رخنه نرم و خزنه دیگری در عرصه حاکمیت رخ داد، و همچنان در حال وقوع و پیشرفت است.

اقتدار حاکمیت، بتدریج در طیفی از حوزه‌های جامعه و حکمرانی، به انواع دیگری از قدرت تطور پیدا کرد، که هم شیوه بکارگیری و تحقق آن متفاوت شد، و هم بتدریج در اختیار افرادی غیر از حاکمان رسمی قرار گرفت.

سکوها نمونه‌هایی از این تغییر جایگاه اقتدار هستند. سکوهایی مثل گوگل، ویندوز، تلگرام، اندروید، رمزارزها و نظایر آنها در سالهای اخیر، میدان‌هایی را ایجاد کرده‌اند، که اقتدار حاکمیت را در کشورهای مختلف به چالش کشیده‌اند، مالکان سکوها، از طریق سکوهای خود، مداخلاتی حساب شده در میدانهای جغرافیای کشورهای دیگر انجام می‌دهند. حاکمان در این پهنه، با

مداخلاتی از جنسی متفاوت مواجه شده‌اند. کشورها نه می‌توانند جلوی ورود سکوها را به عرصه زندگی جامعه خود بگیرند، و نه می‌توانند به سادگی مداخلات آنها را در زندگی مردم مدیریت کنند.

در چنین پهنه‌هایی است که حاکمیت دچار تغییر ماهیت می‌شود. حاکمیت در شکل جدید آن در تمدن سایبری، قوانین، سازوکارها و بافت متفاوتی می‌یابد. حاکمان برای حفظ حاکمیت و اقتدار خود، باید ماهیت این نوع جدید حاکمیت را درک کرده، و بر اساس معادلات و رویکرد متناسب آن عمل کنند. همچنین سازوکارهای حکمرانی برای جاری ساختن حاکمیت نیز به همین صورت دچار تطور و دگردیسی می‌شود؛ و نیازمند فهم و اتخاذ رویکردهای متفاوتی است.

ضمن اینکه در شرایط تحول کرونایی و پساکرونایی، بروز طیفی از این خصوصیات تطور یافته، تشدید می‌شود. به نظر می‌رسد که شرایط بحران کرونا، در سوق پیدا کردن سریعتر جامعه به سمت تمدن سایبری، نقش موثری داشته است.

در برخی موارد دیده **می‌شود** که در مواجهه با افسارگسیختگی این میدان، و ضوابط نامشخص و مبهم این فضا، راهکارهایی که برای درگیر شدن حاکمیت و حکمرانی در فضای سایبر ارائه می‌گردد، راهکارهایی ساده انگارانه و در حد استفاده از فن آوری اطلاعات، فیلترینگ، محدود کردن دسترسی و راه اندازی یک واحد سازمانی برای این امور، در دستگاههای حکومتی است.

۵/۳ چهار مولفه دولت سایبری

چهار مولفه مردم، زمین، منابع و نظام سیاسی، ساختار واژه قدرت را شکل می‌دهند، زمانی که از قدرت صحبت می‌کنیم به معنای اجتماع این چهار عنصر در کنار یکدیگر است. حاکمیت تحت عنوان یکی از زیرشاخه‌های واژه قدرت در ادبیات سیاسی جهان تعریف می‌شود؛ حاکمیت انواع مختلفی دارد که «حاکمیت دریایی» و «حاکمیت حریم هوایی» نمونه‌هایی از آن هستند. «حاکمیت سایبری» واژه نوظهوری است که ظهور عصر اینترنت آن را وارد ادبیات قدرت در جهان کرد. معنای حاکمیت سایبری این است که هرکشوری باید بالاترین سطح کنترل و مدیریت را نسبت به جغرافیای سایبری کشور خود داشته باشد. عناصر اصلی حاکمیت سایبری، فضای مجازی و فناوری‌های آن مانند شبکه‌های اجتماعی، برنامه‌های خدماتی مثل تاکسی‌های اینترنتی (و ITC) ... به مثابه قلمرو جغرافیایی در فضای حقیقی (بهره‌برداران و مدیران فضای مجازی (جمعیت در فضای حقیقی)، سیگنال‌ها و داده‌هایی که در فضای مجازی تبادل می‌شوند (جایگزین منابع استراتژیک در زندگی حقیقی)، قوانین این فضا هم آخرین عنصر تشکیل دهنده حاکمیت سایبری هستند. حاکمیت سایبری هر کشوری دارای ۴ رکن پذیرفته شده در جامعه بین المللی است، رکن اول تحت عنوان حق استقلال سایبری تعریف می‌شود (سیستم حاکمیت سایبری کشورها باید از نظر زیرساخت‌ها، ذخیره‌سازی داده‌ها و قوانین حاکم بر مدیریت این فضا تحت کنترل هیچ کشوری نباشد)، حق اشتراک برابر در فضای مجازی رکن بعدی رژیم حقوقی فضای مجازی است (صرف نظر از برخی کشورها مانند آمریکا که این حق را نقض می‌کنند، طبق قواعد بین الملل همه کشورها حق استفاده برابر از این فضا را دارند. حق دفاع سایبری رکن بعدی است (تمام کشور حق دفاع از جغرافیای سایبری خود در سه سطح پیش، هنگام و پس از تهاجم سایبری دارند) و آخرین مورد حق قضایی است (براساس این حق، به صورت پیش فرض کشورها دارای صلاحیت اعمال حاکمیت بر فضای سایبر خود هستند و از آن استفاده می‌کنند، همانند اتفاقاتی که بعد از انتخابات ۲۰۲۰ ریاست جمهوری آمریکا شاهد آن بودیم. (آل یاسین، ۱۴۰۰)

۶ مرزهای نوین در حکمرانی

مردم، سرزمین (و منابع آن) و رژیم (و حکومت آن) در داخل یک کشور با هم سه مفهوم اساسی حاکمیت ملی را تشکیل می‌دهند که در زیر به این مفاهیم پرداخته شده است. قبل از تأسیس سازمان ملل در سال ۱۹۴۵، نظریه های حاکمیت عمدتاً

از اروپا بود. از زمانی که کشورهای اروپایی صلح را در سال ۱۶۴۸ امضا کردند، تا رسیدن به اجماع جهانی، نظریه های مربوط به حاکمیت ملی مطرح، عملی، بازاندیشی و اصلاح شده است.

۶/۱ قلمرو و سرزمین

در قانون بین المللی اوپنهایم، قلمرو به عنوان "بخشی مشخص بر روی زمین و تحت حاکمیت کشور" شرح داده شده است. توضیح قلمرو تعریف شده توسط قانون بین الملل می تواند به صورت سرزمینی، آبهای سرزمینی و فضای هوایی سرزمینی گسترش یابد بدون اینکه مناطق عمومی انسان مانند فضای بیرونی، مناطق قطبی و دریای آزاد را در بر بگیرد. به دلیل احترام به حاکمیت سرزمین، یک کشور مجاز به تجاوز، تقسیم یا الحاق سرزمینهای سایر کشورها نیست، مگر اینکه توسط کشورهای دیگر مجاز باشد. اگر یک کشور بخواهد با شروع انواع روشهای جنگ شبکه محور، مانند حملات دقیق به شبکه یک کشور با استفاده از ابزار سایبری، حق حاکمیت کشور دیگری را نقض کند شبکه مدنی یا نهادهای مدنی همزمان با حمله نظامی آسیب خواهند دید. از این رو، حاکمیت فضای مجازی و حاکمیت سرزمین، دارای وحدت طبیعی هستند حاکمیت داده ها در حاکمیت فضای مجازی همچنین دارای وحدت طبیعی با حاکمیت قلمرو است.

۶/۲ مردم و جمعیت

دیدگاههای حاکمیت مردمی از اوایل دوران ارسطو و بودین روشن شده است، اما وضعیت اصلی آن در امنیت ملی تا پیشگفتار منشور ملل متحد تثبیت نشده بود. به همین ترتیب، باید از همه فعالیت های افراد توسط حاکمیت محافظت شود، و همه فعالیت های مردم در فضای مجازی باید توسط حاکمیت فضای مجازی این کشور محافظت شود. در نتیجه، حاکمیت فضای مجازی و حاکمیت مردمی کشور از وحدت طبیعی برخوردار هستند

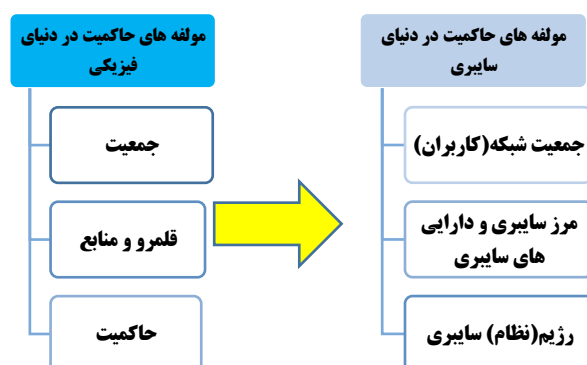
۶/۳ رژیم و حکومت

حاکمیت سیاسی مجموع سیستم سیاسی (رژیم) و مقامات اداری (دولت) یک کشور است و دولت مجری، تنظیم کننده و نماینده حاکمیت ملی است. برای مثال، در بند اول ماده ۵۷۲۷ منشور ملل متحد آمده است: مسئولیتها، همانطور که در اسناد اساسی آنها تعریف شده است، در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و مرتبط با آن طبق مقررات ماده ۶۳ با سازمان ملل متحد در ارتباط خواهند بود. "این ثابت می کند که از نظر سازمان ملل، دولتهای کشورها نمایندگان حاکمیت کشورها هستند.

۶/۴ تفسیر مفهوم "حاکمیت فضای مجازی"

به طور طبیعی حاکمیت یک کشور به فضای مجازی نیز گسترش می یابد. حوزه قضایی مربوط به فضای مجازی اساساً گسترش حوزه قضایی مربوط به زیرساخت های فناوری اطلاعات و ارتباطات است که میزبان فضای مجازی است. بنابراین، می توان حاکمیت فضای مجازی را به شرح زیر توصیف کرد:

"حاکمیت فضای مجازی گسترش طبیعی حاکمیت دولت در فضای مجازی است که توسط زیرساخت های فناوری اطلاعات و ارتباطات واقع در قلمرو یک کشور برگزار می شود. یعنی یک ایالت صلاحیت (حق دخالت در عملکرد داده ها) را بر فعالیت های فناوری اطلاعات و ارتباطات با توجه به نقش ها و عملیات سایبری موجود در فضای مجازی دارد.



شکل ۱- مقایسه مولفه های حاکمیت فیزیکی و سایبری

همان گونه که در شکل ۱ متناظر یابی گردیده است، فعالیتهای فناوری اطلاعات و ارتباطات مربوط به کاربران سایبری است که معادل "جمعیت شبکه" است. سیستمهای فناوری اطلاعات و ارتباطات فی نفسه مربوط به امکاناتی هستند که بسترهای حامل فضای مجازی و معادل "فضای مجازی سرزمینی" هستند. داده های منتقل شده توسط سیستم های فناوری اطلاعات و ارتباطات مشابه "دارایی های سایبری" است. و صلاحیت قضایی و اختیار به حق دخالت در تسهیلات، داده ها و عملکرد داده ها اشاره دارد، که معادل "رژیم سایبری" است. توضیحات فوق به طور مستقیم نشان می دهد که حاکمیت فضای مجازی وارث هر چهار عنصر حاکمیت دولت است.

سایبر، سرزمین و عالم نوین زیست انسانی است که عصری متمایز از سایر اعصار گذشته بر انسان ها را در حال شکل دادن است. لزوم شکل گیری مرز سایبری و مرزبانی سایبری بدیهی و عقلانی است، اما مرزبانی سایبری دارای ساحاتی و سطوحی متمایز است (شکل ۲).



شکل ۲- کشور سایبری

وقتی کاربر به اینترنت متصل، در مکان فیزیکی حضور خود اگر شروع به اکتشاف^۱ در وب جهانی کند، عملاً داده های منتسب به کاربر از مرز سایبر فیزیکی کشور عبور می کند. لذا نیاز به شکل گیری اولین ساحت مرزبانی سایبر است که مرزبانی سایبری داده است. مرزبانی سایبری داده به بازرسی داده های وارد شده و خارج شده، مقاصد و اهداف این ارتباط و مسیر انتقال توجه می کند. این بازرسی از حیث حفظ داده های حریم خصوصی کاربر، داده های حریم ملی کشور و اهداف و اغراض مقصد انتقال و سیر داده هاست. از آنجایی این داده ها می تواند در تحلیل داده عظیم بکار گرفته شود و منجر به مهندسی فکر، اندیشه ها و انگیزه ها شود هرگونه ورود و خروج نیازمند بازرسی، هویت سنجی و صحه گذاری است. مسئله این ساحت، مقابله با شکل گیری داده عظیم کاربران کشور و تحلیل آن در خارج از مرزهاست.

با شروع تعامل کاربر با سرویس ها و سامانه ها و تعمیق این تعامل و روزمره و آن به آن شدن تعامل، نوعی زیست در فضای سایبر شکل می گیرد که هویت نوینی برای کاربر در این فضا شکل می دهد. هویت شکل یافته برای کاربر اگر مبتنی بر سرویس های خارج از الگوی مبتنی بر «بینش و منش و کنش» بومی او باشد، عملاً مرزهای هویتی کشور را تحت تاثیر قرار می دهد. بر این اساس دومین ساحت مرزبانی سایبر شکل یافته که «ساحت مرزبانی سایبری هویت» است. مرزبانی هویت سایبری به مرزبانی هویت اقتصادی، هویت فرهنگی، هویت سیاسی، هویت سرزمینی و هویت بندگی قابل انقسام است. در حکومت های مردم پایه همانند کشور ما حفظ، تعالی و پایداری حکومت به هویت مردمان کشور وابسته است. آفت جوامع غیر مدرن «خوددگرانگاری تودرتو» است. چه این که فرد در جامعه ای با جغرافیای خاصی زیست فیزیکی دارد اما به صورت مجاز گون در جامعه ای با فاصله ی صدها کیلومتر آن طرف تر زیست می کند و «من» های مجازی جایگزین «من» های حقیقی شده و سلطه ی نوینی را برای جوامع صاحب قدرت نرم اغواگر پدید می آورد. ساحت مرزبانی هویت سایبری، کلیدی تر از ساحت مرزبانی داده ای سایبر است، زیر مرزبانی در ساحت داده، در گذرگاه ملی و برای خدمات و سرویس های خارج از کشور شکل می گیرد، اما هویت سایبری وابسته، ممکن است با سرویس و خدمات درون مرز سرزمینی که در مراکز داده ی کشور است، شکل بگیرد.

ساحت سوم مرزبانی سایبر، ساحت مرزبانی سایبری حکمرانی است. این ساحت مرزبانی ناظر به معماری، توپولوژی، امنیت و قدرت سایبری است. در عالم نوپدید سایبر، همه چیز در حال امتزاج و اندماج در فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطی است. از این جهت حکمرانی سایبر موضوعی کلیدی است. دولت ملت های جدیدی حول ارزش مشترک، قاعده بازی، رمز، کاربر و سایر ویژگی های فضای سایبر در حال شکل گیری هستند و باید تاسیس کشورهای سایبری را امری پذیرفته شده دانست.

۷ جمع بندی

حکمرانی^۲ بیان شیوه و حالت حکومت کردن است، در حکمرانی به مجموعه ای از فرایندها اشاره دارد که با قدرت، اقتدار و نفوذ، سیاست ها و رویه هایی را برای حکومت کردن در دست می گیرد. وادی حکمرانی، وادی هدایت و کنترل است و با خلق و بازتولید قوانین، هنجارهای اجتماعی و اقدامات ساختاریافته در ارتباط است. حاکمیت^۳، بنا به تعریف فرهنگ علوم سیاسی:

¹ Exploring

² Governance

³ Sovereignty

سیادت قانونی ملت و دولت ملی درون قلمرویی معین، با اتکا به قوای درون (و بدون تکیه به قوای بیرون از مرزهای قلمروی مربوط) است. حاکمیت، از سوی دولت و برای تحکیم قدرت دولت اعمال می شود، اما در اصل، منبعث از وحدت و اجماع شهروندان است. این تعریف، از آن رو فرهنگ‌نامه‌ای است که در اغلب کشورهای جهان، واقعی نیست، بلکه ایده‌آل است! حاکمیت در اکثر کشورهای برآمده از خاکستر جنگ دوم جهانی، و در اثر درهم‌تنیدگی منافع ملل، به مفهومی آرمانی و دست‌نیافتنی تبدیل شده است؛ زیرا در عمل، حاکمیت ملی بسیاری از کشورها، توسط قدرت‌های بزرگ، همواره نقض شده و می شود. به رغم واقعیت و مصداق نداشتن مقوله حاکمیت ملی در اغلب کشورها، اکثر دولت‌ها (چه دولت‌های صاحب حاکمیت واقعی، چه دارای حاکمیت مخدوش) در فضای سایبر تلاش می‌کنند کاستی‌های حاکمیت ملی خود را جبران کنند.

تحلیل وضعیت حکمرانی جمهوری اسلامی ایران، بدون در نظر گرفتن ابعاد بین‌المللی حکمرانی فضای مجازی در جهان و درهم‌تنیدگی آن با حکمرانی ملی و نیز بدون شناخت دقیق و عمیق ویژگی‌های عصر فضای مجازی و تبعات بنیادین آن برای حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی و سیاسی، بالاخص حوزه حکمرانی غیرممکن و کاملاً ناقص است؛ هر تحلیلی از وضعیت حکمرانی فضای مجازی کشور ضمن، فهم و تحلیل اقتضائات این عصر باید، همزمان ابعاد و اقتضائات ملی و بین‌المللی حکمرانی را در نظر آورد. بزرگ‌ترین چالش حکمرانی در کشور، فقدان یک الگوی جامع حکمرانی «بر»، «در» و «با» فضای مجازی است. رویکردهای سنتی و متعارف در حکمرانی در عرصه فضای مجازی پاسخگو نیست، که نیز حکمرانی فعلی تناسبی با شرایط موجود نیز ندارد. با این حال، این به معنای بازنگری در اصول حکمرانی نیست و تنها به معنای ارتقاء مدل حکمرانی ضمن حفظ اصول و ارزش‌های بنیادین است.

رقبای جدیدی در حکمرانی در مقیاس ملی و بین‌المللی بوجود آمده‌اند که نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. لذا در کنار استفاده از ظرفیتهای نهادهای رسمی، نه تنها پذیرش مشارکت و نظر ذیربطان (نه فقط ذینفعان اقتصادی) در سلسله مراتب قدرت و نظام تصمیم‌گیری و اجرا مغایرتی با اصول حکمرانی جمهوری اسلامی ندارد (عدم فروکاست ذیربطان به ذینفعان)، که نیز نادیده گرفتن ذیربطان جهت اعمال حکمرانی موثر و موفق ناممکن شده است. البته اگر این مشارکت منتهی به حاکمیت منطق سرمایه، حذف توده‌های مردمی و تسلط شرکت‌ها شود، یقیناً با مبانی حکمرانی در جمهوری اسلامی مغایرت دارد.

استفاده از ظرفیت ذیربطان و برقراری توازن میان آن‌ها، این امکان را برای ما بوجود می‌آورد که فراتر از دیپلماسی رسمی و استفاده از ظرفیت‌های دولتی و حکومتی در تعاملات و مراودات بین‌الملل، بتوانیم با اتکا به این بدنه قوی اهداف خود را پیش ببریم. بعلاوه، شکل‌گیری مدل چندذیربطی و بالاخص شرکت‌های بزرگ ملی موجب افزایش توان رقابت با حکمرانان فرامرزی، بالاخص امریکایی شده و تقویت حکمرانی ملی، کاهش حکمرانی بیگانگان و سکوهای خارجی و کاهش هزینه اجتماعی و سیاسی مقابله با سکوهای خارجی و حمایت از تصمیمات حکومت و ملت را به همراه خواهد داشت.

با بهره‌گیری از زیرساخت‌های ملی سایبری، برای هر تصمیم و اقدامی پیوست ذیربطی تهیه شده و ذیربطان موضوع احصا شوند و به فراخور در تصمیم و اقدام مشارکت داده شوند. نوع استفاده از ظرفیت ذیربطان را در سلسله مراتب هرم قدرت مشخص می‌نماید. مدل چندذیربطی با توجه به ظرفیت‌های ساختاری و قانونی، در برخی سطوح می‌تواند مشورتی باشد و در برخی سطوح پایین‌تر، در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و مقررات‌گذاری نیز ورود داشته باشد.

حکمرانی متأثر از فضای سایبر، باید از ابزارهای جدید حکمرانی (قدرت نرم)، در کنار ابزارهای مرسوم اعمال حاکمیت (قدرت سخت) استفاده نماید. گفتمان‌سازی، نمونه‌ای از کاربست قدرت نرم در حکمرانی است که چندین سال است که مورد تأکید مقام معظم رهبری می‌باشد.

می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر در مرز سایبری و ساحت های مرزبانی سایبری اعم از مرزبانی سایبری داده، هویت و حکمرانی، دارای استقلال نمی باشد. هر چند با طرح شبکه ملی اطلاعات گام‌هایی در جهت حکمرانی در حال برداشته شدن است، اما تا تحقق دولت ملت جمهوری اسلامی ایران در فضای سایبر فاصله زیادی داریم.

۸ تقدیر و تشکر

در تهیه این مقاله از آموخته‌ها و محتویات علمی دریافتی از جناب آقای دکتر فیروزآبادی (دبیر شورای عالی فضای مجازی) بسیار بهره برده‌ام و از ایشان کمال تقدیر و تشکر را دارم.

منابع

(۱) BEHRAD BAGHERI, N. I. (۲۰۱۵). *Big future for cyber-physical manufacturing*.

Retrieved from <http://www.designworldonline.com/big-future-for-cyber-physical-manufacturing-systems-September>.

(۲) Governance for the Future: (2013). *Governanc Future Labs*.

(۳) Jackson Adams, M. A. (۲۰۱۸). *A New Threat to the Sovereignty of the State*.

Management Studies.

(۴) Simpson, J. (1989). *Weiner , Edmund. A New English Dictionary on Historical Principles*. Britain: oxford university,.

(۵) Trendone Report on *The Future of Media*. Retrieved from ۲۰۲۰ Trendone. (

www.trendone.com

(۶) Wenjing Jin, D. S. (۲۰۱۴). *A Cyber Physical Interface for Automation Systems*.

Hung-An Kao.

(۷) Wenjing Jin, D. S. (۲۰۱۹). *A Cyber Physical Interface for Automation Systems—*

Methodology and Examples. Hung-An Kao.

(۸) Retrieved from <https://www.irna.ir/news/84071017۱۳۹۹>. (ایرنا)

(۹) آل یاسین (د). ۱۴۰۰. (مشرق نیوز). Retrieved from

<https://www.mashreghnews.ir/news/1216027/>

(۱۰) جزمی (م). ۱۳۹۸. (کالیبر/اسیون و اندازه گیری-calibration). Retrieved from <http://calibration->

info.blogfa.com/post/87

(۱۱) جلالی، ع. (۱۳۹۹). عصر مجازی، چهارمین موج تغییر. فصلنامه تخصصی/انجمن روابط عمومی.

(۱۲) فیروزآبادی، س. ا. (۱۳۹۹). (درآمدی بر حکمرانی فضای مجازی. تهران: دانشگاه امام صادق)ع.

(۱۳) قاسمی، س. (۱۳۹۹). (چالشهای حکمرانی در/افق ۱۴۲۴. تهران: مرکز پژوهشهای توسعه و آینده نگری .

(۱۴) کریم، خ. م. (۱۳۹۵). (جامعه پذیری دینی در جامعه‌ی اطلاعاتی. فصلنامه شیعه‌شناسی.

(۱۵) مجلس، م. پ. (۱۳۹۸). (درآمدی بر آینده‌پژوهی دولت. تهران: مرکز پژوهشهای مجلس.

(۱۶) نویس، ی. خ. (۱۳۹۸). (حکمرانی چند زیربیطی فضای مجازی. تهران: مرکز ملی فضای مجازی.

(۱۷) نیوز، م. (۱۳۹۹). Retrieved from <https://www.mashregnews.ir/news/438451/1399>.